

Effectiveness Requirements for Foreign Criminal Laws and Sentences in The National Territory: Developments, Obstacles and Solutions in the Field of Cybercrimes

Ashkan Famil Modaberan

Ph.D. in Criminal Law and criminology, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran (Corresponding Author). Email: a.familmodaberan@urmia.ac.ir

Azar Gioki

Ph.D. in International Law, Department of Public and International law, Faculty of Humanities, Azad University of Qom, Qom, Iran. Email: Azarg1359@gmail.com

Nader Alizadeh

Ph.D. in Criminal Law and criminology, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran Email: naderalizadehsereht@yahoo.com

Keywords:

Cyber-Crimes,
Effectiveness, Foreign
Judgments, Criminal
Law, Foreign
Criminal Law

Abstract

The all-round application of the principle of the sovereignty of countries in their territory through the tool of criminal jurisdiction has undergone a change despite the justifications for it, so that the effectiveness of foreign laws and rulings has been modified in recent years in the light of human rights concepts and fair trial standards, and many countries have deviated from their sovereignty and considered the interests of the accused to be preferable having anticipated examples of the application of foreign law. One of the most important features of cyber space is that it is not limited to the geographical borders of countries, which is called "extra-spatial" feature. This feature causes the determination of the competent court to deal with the crimes committed in this space to be faced with fundamental problems. In the real space, factors such as the location of the crime, the location of the crime, the place of residence and the arrest of the accused are the criteria for applying territorial jurisdiction, but considering the characteristics of the cyberspace, the most important of which is not being assigned to a specific place, "being extra-local", the application of jurisdiction A territory in this space causes a positive conflict between the courts of different countries. Therefore, determining the territory of this principle creates the greatest challenge in dealing with cybercrimes and in the procedures of different countries of the world, it is possible to refer to the location of the computer, the location of the uploader or implementer, the location of the action, the location of the effect, or other matters. The title of the factors relating the jurisdiction of the court to the criminal act located in the cyberspace was mentioned. This research, which was carried out using the descriptive-analytical method and using library and cyberspace resources, tries to investigate the influence of the criminal laws of our country on this process. After the victory of the Islamic Revolution and under the influence of Sharia standards, and also due to the increasing progress in cyber fields and the increase in crimes in this area, the said process encountered obstacles that require reflection and research to overcome, obstacles such as the conditions of the appointed judge. , the rule of negation of the mustache and some unreasonable precautions of the legislator in this context can be seen, which has become an obstacle to the development of the criminal law of our country for the expansion of the place.



This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license:

(<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

الزامات اثربخشی به قوانین و احکام کیفری خارجی در قلمرو ملی: تحولات، موانع و راهکارها در حوزه جرایم سایبری

اشکان فامیل مدبران

دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول) a.familmodaberan@urmia.ac.ir

آذر گیوکی

دکتری حقوق بین‌الملل، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی قم، قم، ایران

نادر علیزاده سرشت

دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

تاریخ پذیرش: ۲۷ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴ شهریور ۱۴۰۲

چکیده:

اعمال همه‌جانبه اصل حاکمیت کشورها در قلمرو سرزمینی به وسیله ابزار صلاحیت کیفری علی‌رغم توجیهاتی که برای آن وجود دارد، دستخوش تغییر شد، به طوری که اثربخشی به قوانین و احکام خارجی در سالیان اخیر در پرتو مفاهیم حقوق بشری و معیارهای دادرسی عادلانه تعدیل گردیده و بسیاری از کشورها با پیش‌بینی مصادیقی از اعمال قانون خارجی، از حاکمیت خویش عدول نموده و مصالح و منافع متهم را مرجح دانسته‌اند. یکی از مهمترین ویژگی‌های فضای سایبری، اختصاص نداشتن و محدود نبودن آن به مرزهای جغرافیایی کشورهاست که به آن ویژگی «فرامکانی» می‌گویند. این ویژگی سبب می‌شود تعیین دادگاه صالح جهت رسیدگی به جرائم ارتكابی در این فضا با مشکلات اساسی مواجه گردد. در فضای واقعی جهت اعمال صلاحیت سرزمینی عواملی نظیر محل وقوع جرم، محل کشف جرم، محل اقامت و دستگیری متهم ملاک عمل است لیکن با توجه به ویژگی‌های فضای سایبر که مهمترین آن اختصاص نداشتن به مکانی خاص «فرامکانی بودن» می‌باشد، اعمال صلاحیت سرزمینی در این فضا سبب بروز تعارض مثبت بین محاکم کشورهای مختلف می‌گردد. لذا تعیین قلمرو این اصل بیشترین چالش را در رسیدگی به جرائم فضای سایبر ایجاد کرده و در رویه‌های مختلف کشورهای جهان می‌توان به محل استقرار رایانه، محل حضور بارگذار یا پیاده ساز، محل وقوع عمل، محل اثر و یا سایر امور دیگر به عنوان عوامل ارتباط دهنده صلاحیت دادگاه با عمل مجرمانه واقع شده در فضای سایبر اشاره داشت. این پژوهش، که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و موجود در فضای سایبری، انجام شده است، تلاش دارد به بررسی تأثیرپذیری حقوق کیفری کشورمان از این فرآیند بپردازد. روند مذکور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تحت تأثیر موازین شرعی و نیز با توجه به پیشرفت روز افزون در زمینه‌های سایبری و افزایش جرایم در این حوزه، با موانعی مواجه شد که نیازمند تأمل و تحقیق جهت برطرف نمودن می‌باشد، موانعی همچون شرایط قاضی منصوب، قاعده نفی سبیل و برخی احتیاط‌های نامعقول مقنن در این زمینه به چشم می‌خورد که سد راه تحول حقوق کیفری کشورمان برای گسترش بستر مکانی گردیده است.

کلیدواژه‌ها: جرایم سایبری، اثربخشی، احکام خارجی، حقوق کیفری، قانون کیفری خارجی

گسترش ارتباطات و همکاری میان کشورهای جهان و از سوی دیگر نیازهای متقابل جوامع به همدیگر، موجب افزایش مراودات میان اتباع کشورهای مختلف گردیده، به طوری که سالیانه تعداد زیادی از جمعیت متعلق به یک دولت-کشور با مقاصد مختلف به اقصی نقاط جهان سفر می‌کنند. در این میان وقوع جرم و تعقیب جزایی در قلمرو کشور دیگر امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌رود. یکی از این اصول اعمال همه‌جانبه و فراگیر اصل حاکمیت در قلمرو حقوق کیفری بود. در قرن‌های گذشته یکی از نمادهای قدرت یک حکومت، عدم تأثیرپذیری نسبت به فرامین و قوانین کشورهای دیگر بود اما رفته‌رفته با تحولاتی که در عرصه حقوق جزای بین‌الملل به وقوع پیوست، تأکید بی‌چون‌وچرا نسبت به اعمال حاکمیت و تعصب نسبت به قوانین کیفری داخلی کمرنگ شد و ارزش‌های دیگری جایگزین آن گردید، به طوری که در قوانین کیفری برخی از کشورها، جایگاه مستقلی برای قلمرو قانون خارجی در حاکمیت سرزمینی خود ترسیم‌نموده‌اند و در مواردی برای تضمین حقوق متهم از حاکمیت خود عدول کرده و قانون خارجی را اعمال می‌نمایند.

لازمه توسل به صلاحیت سرزمینی در فضای سایبر، وجود مرزهای دقیق است تا مقررات دولتی در حیطه آن عینیت یابد. عدم امکان اجرای قواعد سنتی بر فضای بی‌انتهای سایبر از پیچیدگی‌های این فضا است. یکی دیگر از معضلات صلاحیت سرزمینی در فضای سایبر، ناپیدا بودن محل ارتکاب جرم در این فضا است. اغلب نمی‌توان محل وقوع جرم را شناسایی کرد. حتی اگر تارنماها با کد کشوری به عنوان محل وقوع جرم ملاک گرفته شود، این اشکال در مورد تارنماهای با کد عمومی باقی می‌ماند. هرچند برخی کشورها معیارهایی مانند محل وقوع سامانه‌های رایانه ای، داده‌های رایانه ای و ذخیره اطلاعات را به عنوان معیار تعیین سرزمین در نظر گرفته‌اند، قانونگذاری‌های متعارض موجب می‌شود یک عمل در آن واحد در صلاحیت سرزمینی چند کشور قرار گیرد.

در قانون داخلی ایران در رسیدگی به جرائم سایبری اصل صلاحیت سرزمینی در بندهای (الف) و (ب) ماده ۲۸ قانون جرائم رایانه ای به رغم وجود مقررات عام راجع به صلاحیت سرزمینی (ماده ۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)، به صلاحیت مذکور اشاره شده است. براساس بند (الف) ماده ۲۸، می‌توان گفت که مراکز داده‌ای که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی ایران خدمات ارائه می‌دهند، بخشی از حاکمیت ایران محسوب می‌شوند. مطابق بند ۱ ماده ۱ آیین‌نامه مرکز خدمات داده اینترنتی، مصوب کمیسیون تنظیم مقررات رادیویی در سال ۲۰۰۴، مرکز خدمات داده اینترنتی یک مرکز ارتباطی امن و مقاوم در برابر خطا و با سرعت بالا و پایدار برای میزبانی است، تجهیزات، خدمات و برنامه‌های کاربردی. بند (ب) ماده ۲۸ همچنین وب سایت‌هایی با کد نام دامنه در سطح بالا را قلمرو ایران می‌داند. قانون جرائم سایبری استاندارد مشخص و شفاف برای تعیین محل وقوع جرائم سایبری ارائه نمی‌دهد، اما معیارهایی برای تعیین محل دقیق وقوع جرم در فضای مجازی وجود دارد. از جمله نظریه مکان یابی سیستم‌های رایانه ای، که بر اساس آن یک کشور دارای صلاحیت بررسی این یک جرم سایبری است که در آن سیستم‌های کامپیوتری در قلمرو حاکمیت مستقر شده‌اند. سیستم‌های رایانه ای به هر نوع دستگاه یا مجموعه‌ای از دستگاه‌های سخت افزاری - نرم افزاری متصل اشاره دارند که از طریق اجرای برنامه‌های خودکار پردازش داده پیام کار می‌کنند (بند «و» ماده ۴ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲). ما در وهله اول، در این مقاله تحولات در عرصه بین‌المللی را با تأکید بر مصادیق پذیرفته‌شده در قوانین برخی از کشورها بررسی می‌کنیم، سپس به ارزیابی و تحلیل موضع حقوق کیفری ایران، فراز و نشیب‌ها، موانع و راهکارهای تسریع به اثربخشی نسبت به قوانین و احکام دادگاه‌های خارجی می‌پردازیم.

۱- سیر تحولات قوانین کیفری در میزان توجه به قوانین و احکام خارجی

نظام حقوق کیفری ما در زمینه اثربخشی به احکام خارجی به‌طور کلی سه دوره را پشت بر گذاشته، دوره قبل از وضع قوانین مدون کیفری ماهوی (قبل از ۱۳۰۴)، دوره بعد مربوط به فاصله زمانی میان دو قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴-۱۳۵۲) و نهایتاً دوره سوم به قوانین کیفری بعد از پیروزی انقلاب برمی‌گردد، در این دوره اثربخشی به قوانین کیفری و دیدگاه‌ها نسبت به آن فراز و نشیب بسیاری داشته و در درون این دوره نیز امکان تقسیم‌بندی به دوره‌های مختلف وجود دارد، سیر اثربخشی به قوانین و احکام خارجی در تاریخ حقوق کیفری، از دوران انکار و تردید آغاز شده و در مقطعی به پذیرش منطقی و منطبق با استانداردهای بین‌المللی نزدیک شد و بعد از مدت کوتاهی با سیر قهقرایی به دوران انکار مطلق بازگشت نمود، بعد از سپری شدن مدتی از این رویه، دوباره افکار مربوط به پذیرش در قالب محدود بازتولید شد و کم‌کم راه خویش را در قوانین کیفری بازنمود، در اواخر دهه هفتاد، لزوم توجه به قوانین و احکام دادگاه‌های خارجی در قالب موافقت‌نامه‌های همکاری خود را نشان داد ولی در این زمینه با موانع شرعی و فقهی مواجهه‌شد؛ بدین ترتیب، هدف ما بررسی تاریخی-حقوقی جایگاه احکام خارجی در قوانین کیفری ایران است.

۲-۱: موضع نظام کیفری ایران قبل از سال ۱۳۰۴

در قوانین و مقررات متفرقه قبل از سال ۱۳۰۴ به‌طور مشخص اشاره‌ای به پذیرش احکام خارجی نشده، بلکه پیرامون شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی، بالأخص قاعده منع محاکمه مجدد، یکسری متون قانونی به‌چشم‌می‌خورد، به‌طور مثال در ماده ۲۰۰ قانون محاکمات جزایی (مصوب ۱۲۹۱ شمسی) در خصوص صلاحیت محاکم رسیدگی‌کننده به جرائم ارتكابی توسط اتباع ایران در کشور خارجی مقرر می‌داشت: "هرگاه یکی از تبعه ایران در خارجه مرتکب جنحه یا جنایتی شده و در ایران به‌دست‌یابید در محکمه‌ای محاکمه‌می‌شود که در حوزه او مقصر یافت‌می‌شود"، ظاهر این ماده دلالتی بر پذیرش احکام خارجی ندارد، شاید تلقی برخی از نویسندگان بر اساس نظریه مشورتی اداره حقوقی سابق شکل‌گرفته- باشد (توجهی و قربانی قلعجولو، ۱۳۸۸:۱۴۹) که مقرر می‌دارد "اگرچه طبق ماده ۲۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری، اتباع ایرانی که در خارج از ایران مرتکب جرمی شده‌باشند در محکمه‌ای که مقصر در آن یافت‌شده قابل تعقیب می‌باشند، ولی بر طبق اصول اساسی و مسلم حقوق جزا، اجرای این ماده منوط به آن است که قبلاً موضوع منجر به صدور حکم قطعی نشده‌باشد. در غیر این صورت باوجود اصل منع تعقیب مجدد که از نظر بین‌المللی مورد قبول واقع شده و در ماده ۲ قانون جلوگیری از نثریات مستهجن نیز مورد تصویب مقنن ایرانی قرارگرفته است، موجبی برای تجویز محاکمه مجدد وجود ندارد" (موسوی، ۱۳۷۶:۱۶۵) گرچه متن ماده ۲۰۰ (ماده ۳۱۶ قانون فعلی) صراحتاً اشاره به قوانین خارجی و تأثیر آن ندارد، اما نظریه مشورتی از روح اصول حقوق جزا تفسیری منصفانه ارائه‌داده‌اند، با دید کلی می‌توان این دوره تاریخی از حیات حقوق کیفری ایران را به دلیل عدم انسجام و شکل‌گیری قوانین کیفری به دوره "خاموشی" نسبت به احکام خارجی تعبیر نمود.

۲-۱-۱: موضع قوانین کیفری در سال‌های (۱۳۰۴ تا ۱۳۵۲)

در فاصله زمانی تصویب دو قانون مجازات عمومی، تفکرات جدید در قالب موافقت‌نامه‌های همکاری بروز و ظهور یافت و در این سال‌ها تعدادی موافقت‌نامه به تصویب کشور ایران رسید که برخی از آن‌ها کماکان قابلیت اجرایی دارند و برخی مدت‌زمانی آن‌ها سپری‌شده و تجدید شده‌اند، به‌طور کلی در این فاصله تنها ۵ موافقت‌نامه همکاری قضایی میان ایران و سایر کشورها به تصویب رسیده که بر اساس تاریخ تصویب به‌قرار زیر است:

(الف) با افغانستان، موافقت‌نامه استرداد مجرمین و متهمین به جرم، ۱۳۰۷؛ این قرارداد به علت انقضای مدت، از اعتبار افتاده و در سال ۱۳۸۹ موافقت‌نامه جدید منعقدشده است.

(ب) با ترکیه، قرارداد استرداد مقصرین و تعاون قضایی در امور جزایی، ۱۳۱۶؛ قرارداد جامع همکاری‌های قضایی با ترکیه در سال ۱۳۸۸ میان دو کشور امضا و در سال ۱۳۸۹ لازم‌الاجرا و جایگزین قرارداد سال ۱۳۱۶ شده است.

(پ) با پاکستان، عهدنامه استرداد مجرمین ۱۳۳۸

(ت) با فرانسه، قرارداد استرداد مجرمین ۱۳۴۵

(ث) با عراق، موافقت‌نامه موقت درباره استرداد مجرمین مصوب ۱۳۵۱ که در سال ۱۳۹۰ موافقت‌نامه جدید منعقدشد.

تحولات مربوط به موافقت‌نامه‌های همکاری، نوید آمادگی کامل مقنن برای وضع قانون جامع‌و مانع جهت تعیین موضع خود در مورد احکام دادگاه‌های خارجی را می‌داد و این آرمان در ضوابط ماده ۳ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ تحقق پیدا نمود و رویکردی منطقی و معقول در زمینه برخورد با قوانین و احکام دادگاه‌های خارجی اتخاذ گردید.

قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ در بند (ج) ماده ۳ (ماده ۵ قانون فعلی) که مربوط به اصل صلاحیت واقعی است، با جمع نمودن میان منافع کشور و اصول حقوق بشری به احکام دادگاه‌های خارجی اثر بخشیده بود و قاعده "احتساب" را در قانون گنجانده بود، این شیوه مبتکرانه از آن‌رو مهم است که برای اصل صلاحیت واقعی برخلاف سایر اصول، هیچ‌کدام از شرایط و محدودیت‌ها وجود ندارد، این به دلیل خاص جرائم موضوع این اصل است که مستقیماً منافع اساسی و حیاتی یک کشور از جمله تمامیت سیاسی، ارضی و اقتصادی دولت‌ها را مورد لطمه قرار می‌دهد. به‌نوعی لطمه به امنیت داخلی و خارجی کشور وارد می‌کنند، از جرائم مهم محسوب شده و لذا شرط مهم بودن در مورد آن‌ها وجود دارد و نیازی به ذکر آن نیست. (پورباقرانی، ۱۳۹۱: ۸۰)

در اصل صلاحیت شخصی نیز که معمولاً دولت‌ها به مقدار بیشتری از حاکمیت خودشان عدول می‌کنند، رویکرد منطقی در پیش گرفته و دربند (ه) ماده ۳ دربندهای ۲ و ۳ و ۴ به قانون و احکام دادگاه‌های خارجی توجه کرده و به آن اثر داده بود؛ سیاست تقنینی-قضایی مقنن در این قانون دربرخورد با احکام دادگاه‌های خارجی از نظم خاصی برخوردار بود، به طوری که در مواجهه با احکام خارجی مربوط به اصل صلاحیت واقعی جانب احتیاط را رعایت نموده و از زیاده‌روی در اعتباربخشی اجتناب نموده و مانند سایر کشورها از سپردن امور قضایی مسائل مهم به دست دستگاه قضایی خارجی، آگاه بوده و به فراست آن را اعمال نموده و از طرف دیگر مراعات جانب انصاف و آموزه‌های حقوق بشری را نیز داشته، به همین خاطر ابتکار "احتساب" مجازات را برگزید، راه‌حلی که مقنن بعد انقلاب بعد از ۴ دهه به احیای آن در ماده ۵ قانون مجازات اسلامی همت گماشت. از سوی دیگر در اصل صلاحیت شخصی که فضای توجه به قوانین و احکام خارجی بازتر است به دلیل اینکه قواعدی مانند منع محاکمه مجدد «اصولاً در مورد اصل صلاحیت شخصی، مبتنی بر تابعیت مجنی علیه و جهانی مورد استقبال قوانین داخلی کشورها قرار گرفته است. (پوربافرانی و بیگی حسن، ۱۳۹۲: ۲۷)؛ کمی قبل از تصویب این قانون، قانونی خاص وضع شد و به احکام دادگاه‌های خارجی به صورت مطلق در جرائم خاصی اثر بخشید، ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ که دربند (الف) به احکام محکومیت دادگاه‌های خارجی اشاره شده است.

۲-۱-۲: موضع قوانین کیفری بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

در قوانین کیفری سال‌های اولیه دگرگونی نظام حقوقی، نشانی از توجه به قوانین و احکام خارجی دیده نمی‌شود و برعکس تحت تأثیر لزوم استقلال کامل نسبت به دیگر کشورها و روحیه انقلابی، تفکری در جهت حذف اقدامات صورت گرفته در قوانین قبلی که پیش‌تر اشاره شد حاکم گردید، این تلقی در ظاهر با بسیاری از قواعد فقهی نیز همسو و سازگار بود، نهایتاً در قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ این تفکر حاکم شد و ضوابط مربوط به اعمال اصل صلاحیت شخصی و واقعی مندرج در ماده ۳ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ تا مدت‌ها به فراموشی سپرده شد، این رویه در قوانین متفرقه اواخر دهه شصت مورد جرح و تعدیل قرار گرفت و نشانه‌هایی از توجه به احکام خارجی، مجال بروز یافت، به طور مثال دربند ۷ ماده ۱۵ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب اردیبهشت ۱۳۱۰ اصلاحی ۱۴ مهر ۱۳۶۷ مقرر می‌دارد: "هر کس برای استفاده از حقوقی که به موجب این قانون و آیین‌نامه‌های مربوط به آن می‌توان تحصیل کرد، در خارج از کشور مرتکب یکی از اعمال مذکور دربندهای ۱ و ۲ و ۴ این ماده بشود، پس از آمدن به ایران در صورتی که در خارج به موجب حکم قطعی محکوم و مجازات نشده باشد، تعقیب و مجازات خواهد شد."

قانون مذکور بعد از مدت کوتاهی از رویه خشک و انعطاف‌ناپذیر قانون سال ۶۱ از مجرای شورای نگهبان گذشته و مهر تأیید گرفت، رد نشدن این قانون به دلایل مخالفت با شرع، حقوقدانان را به تحول در این زمینه در آینده‌ای نزدیک امیدوار می‌ساخت، زیرا مبانی مربوط به انصاف و عدالت قضایی بر لزوم اثربخشی به احکام خارجی همسو با مصلحت متهم پافشاری می‌نمود، از سویی دیگر خصوصیات خاصی از نظر شرعی بر این جرائم بار نمی‌شود تا حکم مذکور را منحصر در این موارد بدانیم، اما مقنن در قانون مجازات اسلامی پاسخ درخوری به این مطالبه وجدانی و منطبق با معیارهای دادرسی عادلانه نداد و به طور کلی سیاست غالب در قوانین کیفری دهه شصت و هفتاد در برابر احکام خارجی، سکوت و عدم پذیرش بود، به طوری که یکی از حقوقدانان بیان می‌دارد "در عدم قابلیت اجرای احکام کیفری خارجی در ایران جای تردید وجود ندارد و به رغم فقدان رویه قضایی مشخص در این زمینه می‌توان گفت اصولاً مقامات قضایی ایرانی مجاز به اجرای احکام کیفری خارجی بیگانه نیستند، زیرا این امر نیازمند مجوز قانون‌گذاری است، امری که در کشور ما در هیچ متن قانونی اجازه آن در امور کیفری داده نشده است." (خالقی، ۱۳۸۲: ۲۷) همچنین وضعیت غیرهمسو و متعارض عدم توجه به قوانین و احکام خارجی در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ سبب شد تا برخی از حقوقدانان رویکرد مقنن را به شدت به چالش بکشند (Rahmdel, 2004: 277)، انعکاس این دیدگاه در نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه نیز به روشنی دیده می‌شود، اما در اواخر دهه هفتاد نشانه‌هایی از پذیرش محدود احکام دادگاه‌های خارجی در قوانین شکلی بروز یافت؛ در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ در بحث مربوط به مرور زمان، تبصره ماده ۱۷۴ مقرر می‌دارد: "احکام دادگاه‌های خارج از کشور نسبت به اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقت‌نامه‌های قانونی مشمول مقررات این ماده می‌باشد." یکی از حقوقدانان با انتقاد از موضع مقنن در ماده ۷ قانون مجازات اسلامی

۱- بند (ه) ماده ۳ در غیر موارد مذکور دربندهای (ج) و (د) هر ایرانی که در خارج از ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی ایران قابل مجازات خواهد شد مشروط به اینکه:

- ۱- حداکثر مجازات جرم به موجب قانون ایران بیش از یک سال باشد.
- ۲- عمل به موجب قانون محل وقوع جرم باشد
- ۳- در محل وقوع جرم محاکمه و تبریئه نشده باشد یا در صورت محکومیت مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.
- ۴- به موجب قانون ایران و محل وقوع جرم موجبی برای منع یا موقوف شدن تعقیب یا عدم اجرای مجازات یا اسقاط آن نباشد.



و عدم توجه به قانون خارجی، پیشنهاد هماهنگ نمودن مواد قانون مجازات اسلامی با این تبصره را دادند (آشوری، ۱۳۸۸: ۱۶۷) و تعارضی آشکار میان این دو موضع دیده می‌شد، اما این تبصره اولین تالو توجه جدی مقنن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به قوانین خارجی در یک قانون مادر است، بعد از این در سال ۷۹ آرام آرام بحث تصویب موافقت‌نامه‌های همکاری میان کشور ایران و سایر کشورها بر اثر الزامات مربوط به معاضدت قضایی و نیازهای دستگاه قضایی مطرح شد، نکته جالب توجه در این موافقت‌نامه‌ها، قیود انحصاری پذیرش بی‌چون و چرای احکام دادگاه‌های خارجی است که در سالیان گذشته از سوی فقهای شورای نگهبان به صورت امر غیرقابل قبول تلقی می‌شد لازم به ذکر است که در برخی از موافقت‌نامه‌ها مثل موافقت‌نامه همکاری بین ایران و سوریه، اثر منفی اعتبار امر مختوم کیفری تأیید شده است، به نحوی که در ماده ۸۰ این موافقت‌نامه احکام دادگاه‌های دولت سوریه راجع به مجازات سالب آزادی معتبر شناخته شده است و تحت شرایطی طرفین متعهد به انتقال محکومان به حبس اتباع طرف دیگر جهت اجرای حکم هستند، بدون اینکه دولت مجری حکم مجاز به انجام تحقیقات یا محاکمه باشد. (جانی پور، ۱۳۹۰: ۱۹۴)

اما با این وجود حکم تبصره ماده ۱۷۴ به یکی از موارد مربوط به آثار احکام خارجی توجه نشان داده بود، در حالی که هنوز ابهامات و کاستی‌های زیادی در مورد موضع مقنن درباره اثربخشی به احکام خارجی در قوانین وجود داشت، همه نگاه‌ها به لایحه قانون مجازات اسلامی مورد بحث میان قوه قضاییه، مجلس و شورای نگهبان بود تا شاید بتواند جایگزین مناسبی برای قانون مجازات سال ۱۳۷۰ باشد و به جزم اندیشی‌ها در این حوزه پایان دهد.

۲-۱-۳: موضع قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲

قوانین جرائم رایانه ای باید با رشد جرائم رایانه ای به روز شوند. تعیین کیفر مناسب برای جرائم رایانه ای جدید یک روند قانونی است که نیاز به بررسی جرم و آنچه در ایجاد جرم نقش داشته‌اند،

دارد. از سال ۱۳۸۱ فعالیت مجدد حوزه جرائم رایانه ای آغاز گردید که به تنظیم پیش نویس جرائم رایانه ای در شورای عالی توسعه قضایی قوه قضاییه منجر شد و نهایت لایحه جرائم رایانه ای بعد از گذشت ۱۵ سال (از زمان تصویب آن در هیأت وزیران آن زمان) توسط شورای عالی توسعه قضایی تهیه و پیشنهاد گردید که در خرداد ماه ۱۳۸۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت. قانون جرائم رایانه ای مشتمل بر سه بخش و پنجاه و چهار ماده است و در بخش یکم این قانون به جرائم و مجازات مقرر در قانون می‌پردازد و در هفت فصل جرائم، به تقسیم بندی و در فصل هشتم موارد تشدید مجازات را مطرح می‌کند. قانونگذار در فصل دوم و سوم جرائم، علیه صحت و تمامیت داده‌ها و سامانه‌های مخابراتی را عنوان نموده که عنصر مادی این نوع جرائم را می‌توان مانند جرائم علیه اموال و مالکیت دانست. قانونگذار در این فصول، جرائم همچون جعل رایانه ای، تخریب و اختلال در سامانه‌های رایانه ای و سرقت و کلاهبرداری مرتبط با رایانه را مطرح نموده و حداکثر مجازات را برای جعل رایانه ای، حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی در نظر گرفته است. فصل چهارم قانون، به جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی پرداخته و مصادیق محتویات مستهجن را بیان نموده است. قانون جرائم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸ به موجب ماده ۵۵ این قانون به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» اضافه گردیده است و از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است، چرا که طیف قابل توجهی از حملات سایبری را جرم‌انگاری نموده و در این بین بعضاً نقدها و چالش‌های حقوقی جدی را نیز به همراه دارد.

یکی از مهمترین سیاست‌های جنایی ایران در پیشگیری از جرائم رایانه ای بحث قانونگذاری آن در همین حوزه می‌باشد. قانونگذاری در فضای سایبری را با رویکردی در سه مرحله می‌توان تبیین کرد. قانونگذاری در روش‌های حقوق کیفری باید با شناخت به کارگیری فناوری جدید شروع شود و بخش‌های ویژه به همراه ساختارهای امنیتی انتظامی یا در مفهوم کلی پلیس مورد نیاز می‌باشند که برای بررسی جرائم سایبری دارای شرایط لازم باشند. (دشتی و افشاری، ۱۳۹۸)

در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ به‌طور نسبی به احکام دادگاه‌های خارجی توجه و اثر داده شده، دامنه تمرکز مقنن به مجازات‌های تعزیری غیرمنصوص محدود می‌گردد، مقنن در صدر ماده ۵ (اصل صلاحیت واقعی)، بند (ب) ماده ۷ و بندهای (الف) و (ب) ماده ۸ نسبت به احکام و قوانین دادگاه‌های خارجی نرمش نشان داده، لازم به ذکر است که در تبصره ۲ ماده ۱۰۷ که مقرر می‌دارد "مرور زمان اجرای احکام دادگاه‌های خارج از کشور درباره اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقت‌نامه‌های قانونی، مشمول مقررات این ماده است." بر ادامه اثربخشی نسبت به احکام دادگاه‌های خارجی نسبت به شمول مرور زمان صحه گذاشته و بر بقای آن تأکید می‌نماید.

با توجه به قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ درمی یابیم که در مقایسه با سایر قوانین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که رویه سکوت را در پیش گرفته بودند، این قانون به مراتب از صراحت و روشنی بیشتری برخوردار است و بسیاری از زوایای مربوط به مواجهه نظام کیفری ایران با سایر کشورها را روشن نموده، اما از زاویه استانداردهای بین‌المللی فاصله بسیاری با نظام‌های مترقی در این زمینه به چشم می‌خورد، قوه مقننه می‌توانست با پافشاری بر لزوم اثربخشی به قوانین و احکام خارجی در مواردی چون "قاعده منع محاکمه مجدد" و "مجرمیت متقابل" از طریق مجرای مجمع تشخیص به صورت مطلوب‌تری عمل نماید، کما اینکه در مورد تصویب موافقت‌نامه‌ها مجلس با ارجاع مصوبه به مجمع مشکل را حل نمود، واقعیت این است که عدم پذیرش منطقی قواعد مبتنی بر منطق و انصاف مورد قبول کشورهای جهان، تصویر ناخوشایندی از نظام کیفری ما و فقه جزایی به نمایش می‌گذارد، درحالی که حقیقتاً همان‌طور که بیان شد از درون نظام فقهی امکان استخراج قواعدی جهت هماهنگی با الزامات جزای بین‌المللی وجود دارد، از سویی دیگر به کارگیری این سیاست تبعات اجرایی و عملی بسیاری به همراه دارد، یکی از حقوقدانان در این مورد بیان می‌دارد "قاعده مزبور (قاعده منع محاکمه مجدد) در خصوص جرائم موجب قصاص، حدود و دیه تسری داده نشده است، در صورتی که تبعه ایرانی، مقتول یا مجروح عمدی یا غیرعمدی و یا مال باخته در سرقت موجب حد واقع شود، محاکمه کیفری مرتکب هیچ تأثیری در نفی صلاحیت تقنینی و قضایی ایران نخواهد داشت. بدیهی است این امر موجب تعارض جدی قوانین و محاکم ایران با کشورهای خارجی محل وقوع جرم خواهد شد. از سویی عدم تفکیک کشورهای اسلامی از سایر کشورها می‌تواند علاوه بر تعارض رویکرد قانون کیفری ایران با قواعد بین‌المللی، به نقض برخی از قواعد کیفری اسلامی مانند اجرای مجد حد بر مرتکب بیانجامد." (مؤمنی، ۱۳۹۳: ۱۹۳)

در برابر این سیاست افتراقی مجازات‌های مختلف، انتقادات وارد شده و راهکارهایی نیز به وسیله حقوقدانان ابراز شده، به طور مثال یکی از حقوقدانان در نقد عملکرد مقنن در این زمینه بر "معیارهای دادرسی عادلانه" تکیه نموده و بیان داشته است "ممنوعیت محاکمه کسی که قبلاً به دلیل ارتکاب همان عمل محاکمه شده، نوعاً عادلانه و از لحاظ حقوقی منطبق با معیارهای دادرسی منصفانه است؛ به همین دلیل است که اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریات مشورتی متعدد نقض این ممنوعیت را "خلاف اصول کلی دادرسی کیفری" دانسته است، از جمله در نظریات ۷/۷۲۵۵_۷/۱۱/۲۱_۷/۷۸۶۰_۷/۱۳_۷/۶۸۵۳:۸۰/۹/۲۲_۷/۶۸۵۳:۸۰/۹/۲۲_۷/۴۰۹۲:۸۱/۷/۲۲_۷/۴۰۹۲:۸۱/۷/۱۰_۸۹/۷/۱۰؛ در این میان، تعلق حکم اول به دادگاه خارجی نباید مجوزی برای نادیده گرفتن آن و شروع به محاکمه‌ای دیگر تلقی شود؛ بنابراین، شایسته بود که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قاعده منع محاکمه مجدد در همه جرائم و در همه مواردی که دادگاه‌های ایران صلاحیت محاکمه کسی را دارند که قبلاً در خارج از کشور محاکمه شده، پذیرفته می‌شد." (خالقی، علی، ۱۳۹۲: ۲۸)؛ یکی دیگر از حقوقدانان با تکیه بر منابع فقهی و شرعی برخورد افتراقی میان مجازات‌های مختلف را نقد نموده و بیان داشته‌اند "با توجه به قواعدی که بیان شد، قاعده ملازمه میان عقل و شرع، قاعده لاجرح، لاضرر، ارشادی بودن بخشی از قوانین جزایی، محاکمه و مجازات مضاعف نیز با مانعی از جانب شرع مواجه نیست و مبانی‌ای که موجب پذیرش این قاعده در حقوق جزای بین‌الملل شده، نه تنها مورد تأیید که مورد تأکید اسلام نیز هست. لذا می‌توان این قاعده را در کلیه جرائم و بدون استثناء نمودن جرائم با مجازات‌های منصوص شرعی تا جایی که مصلحت اقتضاء می‌کند، مورد پذیرش قرار داد." (پوربافرانی و بیگی حسن، ۱۳۹۲: ۹۳)

در رابطه با اثربخشی به قوانین و احکام دادگاه‌های خارجی، در زمینه نقض اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها (تبصره ۲ ماده ۱۱۵ و ماده ۲۲۰) نیز چالش‌های جدی وجود دارد، زیرا همان‌طور که بیان شد، مقنن از پذیرش احکام و قوانین کشورهای خارجی در جرائم (حدود، قصاص، دیات، تعزیرات منصوص شرعی) سرباز زده و از سوی دیگر دامنه و موارد حدود و تعزیرات منصوص شرعی (شاکری و شیرزادی فر، ۱۳۹۳: ۱۲۷) را نیز به صورت مبهم رها نموده و برخی از آن‌ها را به منابع فقهی ارجاع نموده است، تالی فاسد و آسیب‌های این رویکرد واضح می‌باشد و بحث درباره جزئیات آن به مباحث بعدی موکول می‌شود، ولی در مورد اثربخشی به تعزیرات منصوص شرعی و حدود آن فرض‌هایی به نظر می‌رسد که بیان آن خالی از فایده نیست.

با توجه به اینکه تبصره ۲ ماده ۱۱۵ به صورت استثنایی قائل به عدم پذیرش احکام دادگاه‌های خارجی در تعزیرات منصوص شرعی شده، آیا این استثنا شامل معاون جرم مستوجب تعزیر منصوص شرعی می‌گردد؟ آیا شروع به جرم این‌گونه از جرائم را نیز شامل می‌شود؟ در پاسخ سؤالات مذکور، باید بیان داشت که اگر معاونت به جرم را جزئی از جرم بدانیم، بر اساس ماده ۳ و ۴ قانون مجازات اسلامی باید قائل به عدم اثربخشی به احکام خارجی باشیم زیرا عنوان مطلق تبصره ۲ ماده ۱۱۵ آن را در برمی‌گیرد اما به عقیده بسیاری از صاحب نظران معاونت جزو جرم محسوب نمی‌گردد و فقط مباشر به دلیل ارتکاب عنصر مادی جرم از عناصر متشکله جرم است (خالقی و جودکی، ۱۳۸۹: ۴۴) بنابراین اگر شخص معاون ایرانی در جرم تعزیر منصوص شرعی در خارج از کشور محاکمه و مجازات شود، دیگر دادگاه ایران نمی‌تواند مجدداً به جرم او رسیدگی نماید، چون هر چند جرم ارتکابی تعزیر منصوص شرعی است اما مجازات معاونت در آن جرم، مجازات تعزیری منصوص شرعی نیست و تعزیر غیرمنصوص شرعی است، فلذا حکم صادره و اجراء شده توسط محکمه خارجی مطابق قانون ایران دارای اعتبار است.



در مورد پذیرش یا عدم پذیرش احکام دادگاه‌های خارجی در شروع به جرائم مستوجب تعزیر منصوص شرعی باید بیان داشت که اساساً شروع به جرم یک عمل مجرمانه از لحاظ عنصر مادی با جرم تام آن تفاوت بنیادین دارد، این تفاوت در جرائم مستوجب حدود، قصاص و حتی تعزیرات منصوص شرعی بسیار محسوس‌تر است، چرا که اصولاً شروع به جرائم این موارد تعزیر محسوب می‌گردد و در بین فقها برخی معتقد به این نظرند که امر تجری (معادل فقهی شروع به جرم) عقوبت دنیوی به همراه ندارد (گلدوزیان، ۱۳۸۸: ۲۶) اما مقنن برای حفظ نظم عمومی و تنبیه کسانی که حالت خطرناک دارند به مجازات آن اقدام می‌نماید، پس برای تفسیر مضیق عدم اعتبار دادگاه‌های خارجی و تفسیر به نفع متهم و نهایتاً مفهوم مخالف تبصره ۲ ماده ۱۱۵ باید قائل به اعتبار احکام دادگاه‌های خارجی در مورد شروع به جرم تعزیرات منصوص شرعی باشیم.

مشروعیت قوانین و احکام خارجی از دیدگاه موازین فقهی

در پرتو اصل چهارم قانون اساسی ۱ و لزوم تصویب قانون در چارچوب شرع و رعایت موازین فقهی، برای تحلیل درست و واقع‌بینانه از عملکرد قوه مقننه، چاره‌ای نیست جز اینکه به منشأ این تحولات یعنی فقه و قواعد حاکم بر آن مراجعه‌نماییم.

مقوله قوانین خارجی و منشأ اثر شدن در مجازات، از مسائل جدید به‌شمار می‌آید به همین خاطر فقه‌های متقدم بحث مستقلی در این باره نداشته‌اند، علت این امر نیز روشن است زیرا این مسئله مستحدثه است و در پرتو تشکیل حکومت اسلامی و وضع قوانین شرعی و گسترش ارتباطات میان کشورها نضج گرفته و به تدریج نظرات فقهی بر اساس قواعد با سابقه فقهی همچون "نفی سبیل" حول محور امکان یا عدم امکان اثربخشی به قوانین و احکام دادگاه‌های خارجی مطرح شد، در رابطه با این موضوع نظرات فقهای محترم شورای نگهبان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است زیرا اولاً، از لحاظ قانون اساسی نظرات این بزرگوارن منشاء اثر و تحول در امر قانون‌گذاری می‌شود ثانیاً، بر اساس بند ۱ اصل نودویکم قانون اساسی این فقها لزوماً بایستی "آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز" باشند تا واجد شرایط احراز سمت فقاهت در شورای نگهبان شوند.

نظرات فقهای شورای نگهبان در مورد قوانین و احکام دادگاه‌های خارجی عمدتاً در موافقت‌نامه‌های همکاری منعکس گردیده زیرا موضوع این موافقت‌نامه‌ها همان‌گونه که قبلاً بیان گردید، مستقیماً به نحوه اعمال قانون و احکام خارجی برمی‌گردد، چنانکه در لایحه "موافقت‌نامه همکاری حقوقی و قضایی در امور مدنی و احوال شخصیه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق" بیان شده همان‌گونه که در موافقت‌نامه‌های مشابه دیگر از جمله در موافقت‌نامه‌های فی‌مابین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای قطر، چین، افغانستان و برخی دیگر از کشورها، اظهار نظر شده است، از این جهت که اطلاق برخی مواد آن از جمله بند (ب) و جزء (۴) بند (ث) ماده ۳ و مواد ۲۴، ۲۵، ۲۳، ۲۴ اعمال مقررات غیرمنطبق با موازین شرعی دولت طرف معاهد را لازم‌الاجرا دانسته و مستلزم تأیید صحت قوانین و صحت آیین دادرسی قوه قضاییه عراق و نیز ارجاع کارهای قضایی به دادگاه‌های کشور متعاقد می‌باشد که خود موجب اثر دادن به احکامی است که در آن دادگاه‌ها ولو برخلاف ضوابط اسلامی صادر می‌گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد. "باندکی تأمل در محتوای این نظریات می‌توان به راحتی دریافت که فقهای شورای نگهبان اساساً قانون و احکام دادگاه‌های خارجی غیر از ایران را ولو اینکه کشور اسلامی چون عراق باشد، خلاف شرع می‌دانند.

علت اصلی این نظریات به تقسیمات مربوط به "دارالاسلام" و "دارالکفر" و مبنای عقیدتی برای اجرای مجازات‌های شرعی برمی‌گردد، به‌طوری که فقهای امامیه و عامه به استثنای فقهای حنفی معتقدند اگر مسلمانی مرتکب جرائم مستلزم حدود، قصاص و دیات در دارالکفر شود، پس از مراجعت به دارالاسلام مستحق محاکمه و مجازات است. (جانی پور، ۱۳۹۰: ۱۸۵)، علت اینکه فقهای حنفی معتقد به عدم اجرای حد می‌باشند اعتقاد به وجوب حد در صورت قدرت است، پس "هرگاه مسلمانی در کشورهای غیر اسلامی (دارالحرب) مرتکب سرقت، زنا یا شرب خمر شود، پیشوای مسلمین قدرت بر اجرای حد بر وی را ندارد، بنابراین در هنگام بازگشت او به دارالاسلام قادر نیست حد را بر مسلمین جاری کند." (جانی پور، ۱۳۹۰: ۱۸۶)، از سویی دیگر برخی از حقوقدانان با استفاده از جهانی بودن احکام اسلامی به تأیید این مطلب پرداخته‌اند و بیان داشته‌اند که چون آیین اسلام جهانی است و احکام و مقررات آن اعم از عبادی، اخلاقی، اجتماعی، جزایی و غیر آن برای هدایت و راهنمایی در زندگی اجتماعی همه انسان‌ها تشریع شده است، بنابراین قلمرو مکانی اجرای قوانین و مقررات عرفی غیراسلامی محدود به محیط یا سرزمین و قوم خاصی نیست. (ولیدی، ۱۳۷۴: ۲۶) اما صرف نظر از مبانی مذکور عدم پذیرش قوانین و مقررات خارجی در ایران به مباحث فقهی خاصی برمی‌گردد، اهم دلایلی که برای عدم پذیرش ذکر می‌گردد عبارتند از: ۱- قاعده نفی سبیل ۲- صفات قاضی و مراجعه به طاغوت ۳- امکان خلاف شرع بودن قوانین کشورهای طرف قرارداد و عدم جواز اجرای قوانین مغایر با موازین شرعی

۳-۱: موانع پذیرش قوانین و احکام خارجی**۳-۱-۱: قاعده نفی سبیل**

بر اساس آیه ۱۴۱ سوره نساء که می‌فرماید "لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا" خداوند راه‌های نفوذ کفار بر مسلمین را مسدود کرده است؛ این در حالی است که برخی از فقها در تفسیر این آیه بیان داشته‌اند که "برقراری هرگونه ارتباطی یا انجام هرگونه عملی که موجب استیلا بیگانگان بر کشورهای اسلامی یا اشخاص و اموال مسلمانان شود برای حکومت اسلامی و مسلمانان را ممنوع می‌داند." (موسوی الخميني، ۱۳۹۰: ۴۷). پس مطابق این تفسیر نفس ارتباط برقرار نمودن با کشورهای خارجی و امضای توافقنامه به معنای نقض این قاعده نیست، بلکه بایستی موجب استیلا آنان بر مسلمانان گردد، آیت الله مکارم شیرازی به دلیل مؤمن واقعی نبودن مسلمین قائل بر عدم صدق محتوای قاعده بر مسلمین شده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱: ۱۷۵)

۳-۱-۲: صفات قاضی و حکم قاضی غیرواجد شرایط غیر منصوب

قرآن کریم در آیه ۶۰ سوره نساء "تحاکم به طاغوت" را منع نموده است، علاوه بر این آیه، آیه لزوم اطاعت از ولی امر و ارجاع حل اختلاف به خدا و رسول (ص) (سوره نساء آیه ۵۹) و آیاتی که حکم به "غیر ما انزل الله" را کفر و ظلم و فسق دانسته (آیات ۴۶، ۴۵، ۴۴ سوره مائده) دلالت بر عدم جواز تمکین به حکم قاضی مأذون امر و از رجوع به غیر آن نهی شده است، درحالی که "از نظر فقهای شیعه، مبدأ و منشاء قضاوت، حکومت است و در بینش اسلامی حکومت از آن خداست و برگزیدگان او، و بعد از امامان معصوم در زمان غیبت، قضات با اذن امام این وظیفه را بر عهده دارند." (انصاری، ۱۳۷۱: ۲۷) و در کنار این موضوع "در کتب فقهی بحثی است با این عنوان که آیا شخص جائر توانایی قضاوت را دارد و می‌توان رأی او را قبول کرد یا خیر؟ در آنجا بیان می‌کنند که در صورت اختیار، قبول آن حرام می‌باشد مگر آنکه قبول آن موجب تأیید ظالم و معاونت در گناه نباشد و امکان دادرسی به حق وجود داشته باشد" (انصاری، ۱۳۷۱: ۱۹۳) با توجه به این موضوع می‌توان بیان داشت که "قاضی غیرمجتهد و خارجی و غیرمنصوب (لزوماً جائر و ظالم نیست و می‌توان بر اساس مصلحت عمل کرد و حکم قاضی خارجی را پذیرفت." (میرخلیلی، سالاری فر، رحمانی نعیم آبادی، ۱۳۹۳: ۱۸۹)

هرچند شورای نگهبان این ادله را به صورت مستقیم مورد اشاره قرار نداده، اما بدون شک نظریاتی که ابراز داشته دلالت بر تأسی از این آیات دارد، به طور مثال در مورد "موافقت‌نامه همکاری قضایی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمین، و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه‌ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه بیان داشته ۱- با توجه به اینکه رسیدگی و صدور حکم قضایی باید توسط قاضی واجد شرایط منصوب و بر اساس موازین و احکام اسلام انجام پذیرد چون اطلاق ماده ۱۰ شامل مواردی غیر از آن می‌گردد، خلاف شرع تشخیص داده می‌شود ۲- در ماده ۱۸، اعطای نیابت قضایی چون شامل مواردی می‌شود که نایب، غیرواجد صلاحیت و یا غیر منصوب بوده و یا بدون رعایت موازین و احکام اسلام استماع اقرار یا شهادت نموده و یا حکم صادر می‌نماید اطلاقش خلاف شرع تشخیص داده شد." (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۰: ۹۷)

۳-۱-۳: امکان خلاف شرع بودن قوانین کشورهای طرف قرارداد و عدم جواز اجرای قوانین مغایر با موازین شرعی

در بررسی موافقت‌نامه‌های همکاری مشخص می‌شود که "شورای نگهبان در موافقت‌نامه‌های متعددی احتمال غیرمشروع بودن قوانین و مقررات طرف خارجی را طرح کرده و اطلاق عبارات معاهده را خلاف شرع دانسته است." (شریعت باقری، ۱۳۹۳: ۴۹). همان‌طور که بیان گردید در لایحه "موافقت‌نامه همکاری حقوقی و قضایی در امور مدنی و احوال شخصیه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق" به دلیل احتمال وجود قوانین خلاف شرع مورد تأیید شورای نگهبان قرار نگرفت.

دیدگاه فقهای شورای نگهبان از کشور اسلامی و قاضی منصوب بسیار محدود است و به دلیل ابتدای نظام جمهوری اسلامی ایران بر اصل ولایت فقیه در اصول ۵ و ۱۰۹ قانون اساسی و خاص بودن ویژگی‌های آن از نظر نظام پارلمانی یا ریاستی و ساختار حاکمیت، شاید هرگز نتوان در میان کشورهای جهان بالأخص نظام‌های اسلامی قائل به مشابهت تام یا نسبی باشیم، تلقی فقهای شورای نگهبان در مورد مسلمانان اهل سنت و نظام‌های مبتنی بر فقه اهل سنت نیز به دلیل عدم پذیرش اصل ولایت فقیه، مبتنی بر عدم پذیرش آراء صادره از این محاکم است و نمود این تلقی در موافقت‌نامه‌های میان کشورهای عربی مسلمانان چون سوریه، عراق، افغانستان به وضوح قابل درک می‌باشد، در مورد قوانین نیز فقهای این شورا بدون بررسی دقیق و کامل قوانین کشورهای اسلامی با فرض احتمال مخالفت این قوانین با شرع، موافقت‌نامه را تأیید ننموده‌اند، درحالی که امکان انطباق احکام فقهی اهل سنت با فقه امامیه محال است و در درون فقه امامیه نیز میان فقها اختلاف نظر زیادی وجود دارد، نتیجه

عملی که از این رویکرد شورای نگهبان ناشی شده، ایجاد بن بست عملی در اثربخشی به قوانین و احکام دادگاه‌های خارجی است، ارجاع لایحه به مجمع تشخیص و تأیید آن، تا به امروز به‌عنوان آخرین راهکار برای حل این معضل در نظام کیفری ما به شمار می‌رود.

اکنون با پی بردن به موانع پیشروی اثربخشی به احکام دادگاه‌های خارجی، درک علت اصلی درج ناقص شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی و عدم توجه به قانون خارجی و رها گذاشتن شرایط "مجرمیت متقابل"، "منع محاکمه مجدد" یا معافیت‌های پذیرفته شده در قانون خارجی نسبت به جرائم مستوجب مجازات شرعی و تعزیرات منصوص شرعی آسان است، بحث‌های مطرح شده در عدم توجه به منفعت‌گرایی و سودمندی و نحوه تدوین بند(الف) و (ب) ماده ۷ به‌طور کلی به نقض عملکرد مقنن بر نمی‌گردد، چه بسا در متن اولیه قانون مجازات اسلامی با احیا مقررات بند (ه) ماده ۳ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ موافقت شده باشد و عیناً همان شرایط پیش‌بینی و مقرر شده ولی به دلیل مخالفت شورای محترم نگهبان از متن نهایی قانون کنونی حذف تا به‌صورت ناقص جلوه کند، راه حل‌هایی برای فائق آمدن بر این مشکل قابل تصور است، که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۳-۱-۴: به کارگیری ابزار حکم حکومتی

در رابطه با حدود و ثغور حکم حکومتی به‌طور کلی سه نظریه بیان گردیده:

نظریه اول: حکم حکومتی خارج از دو قسم حکم اولیه و ثانویه نیست و در واقع حکم حکومتی همان اجرای احکام اولیه و ثانویه با عنایت به حفظ مصالح و مقتضیات زمان است، بنابراین نظریه شق سومی به نام حکم حکومتی نداریم، اقدام میرزای شیرازی در خصوص تحریم قرارداد تنباکو با شرکت تالوت، خلاف قاعده وفای به عهد است، لیکن چون اجرای این قرار داد موجب ضرر و زیان به اسلام و مسلمین شده و موجب اسارت ایران می‌شده است بنا به‌عنوان ثانوی "لاخرج" حکم نموده که وفای به قرارداد منتفی است. (تقوی، ۱۳۷۸: ۵۷)

نظریه دوم: مراد از حکم حکومتی این است که فقیه یا حکومت اسلامی، گاهی مصلحت تامه ملزمه یا مفسده تامه ملازمه‌ای را تشخیص می‌دهد و بر اساس آن حکمی صادر می‌کند که از نظر قرآن و روایات همان حکم الله است، همچنین مصلحتی که فقیه مدنظر قرار می‌دهد گاهی هم عنوان ثانوی نیست مثل حکم قضیه "سمر" یا قضیه "تحریم تنباکو" و یا مثل حکم به اول ماه که شامل هیچ کدام نمی‌شود.

نظریه سوم: حکم حکومتی نه حکم اولیه است و نه حکم ثانویه و حتی نسبت عموم و خصوص من وجه با حکم ثانویه نیز ندارد، البته بدیهی است که حکم حکومتی اگر به معنای اصل حکومت و ولایت باشد، بدون تردید از احکام اولیه است؛ اما در معنای خاص که مفهوم آن احکام و فرامین صادره از سوی حاکم است و به احکام ولایی یا سلطانی نیز تعبیر می‌شود، حکم حکومتی نه حکم اولی است و نه حکم ثانوی. طبق این نظریه چون چنین حکمی برای صیانت و حفظ شریعت اسلام است، بر احکام اولیه تقدم دارد، چه رسد به ثانویه (محمدی گیلانی، ۱۳۷۰: ۶۵)؛ یکی از فقهای معاصر در پاسخ سوالی که از ایشان پرسیده شده بود که "چنانچه بنا به مصلحتی دولت جمهوری اسلامی ایران ناچار به انعقاد قراردادی با یک کشور غیراسلامی مبنی بر مبادله محکومین به زندان باشد، بفرمایید: در مورد مجرمین ایرانی با توجه به صدور احکام حبس توسط دادگاه‌های غیر اسلامی آیا از نظر شرعی احکام صادره از سوی آن‌ها برای محاکم قضایی ایران قابلیت اجرا دارد یا خیر؟"

در پاسخ آیت الله مکارم شیرازی بیان داشته‌اند "هرگاه مصلحت نظام اسلامی در عقد قرار داد مبادله مجرمان باشد تحویل دادن مجرمان به آن‌ها اشکالی ندارد هرچند در دادگاه‌های آن‌ها محاکمه و طبق آن مجازات شوند."

۳-۱-۵: نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام

نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام که در پی اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ بنا به ابتکار امام(ره) و بنا به‌قاعده فقهی "مصلحت" وارد نظام حقوقی ما شد، از دو طریق می‌تواند راه‌گشای مشکل اثربخشی به احکام خارجی باشد، ابتدا، درج مضمون کلی و عام الشمول مفاد مبتلابه در موافقت‌نامه‌های همکاری یا موارد دیگر لازم برای اثربخشی به قانون یا احکام دادگاه‌های خارجی همچون موارد اصل صلاحیت شخصی که مورد بحث ماست در ذیل عنوان سیاست‌های کلی نظام بر اساس بند(۱) اصل ۱۱۰ و به دلیل برتری مصوبات مربوط به موارد ارجاعی مقام رهبری بر قوانین مجلس و عدم امکان نسخ آن به‌وسیله قوانین عادی بنا به نظریه‌های تفسیری شورای نگهبان^۱، این مصوبه به‌عنوان قانون هدایت‌گر و برتر، راهنمای تدوین و توسعه موافقت‌نامه‌های آتی به‌وسیله مقنن می‌گردد، شورای محترم نگهبان نیز به دلیل پشتوانه فقهی و مصلحت جامع این موافقت‌نامه‌ها به تکرار ایرادات قبلی نمی‌پردازد، اهمیت این موضوع به دلیل اختیارات مقام ولایت است. بر اساس اصول قانون

^۱ نظریه شماره ۴۵۷۵ و نظریه شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۱ و ۱۳۷۲/۱۱/۲۴

اساسی و نظریه ولایت فقیه، هرگاه مقام ولایت امر انعقاد این گونه موافقت‌نامه‌ها را در راستای اهداف شارع مقدس اسلام بدانند شورای نگهبان نیز خواهد توانست موافقت‌نامه‌های همکاری‌های قضایی بین‌المللی را مورد تأیید قرار دهد. (شریعت باقری، ۱۳۹۳: ۶۹)، تقنین بدوی و مستقیم توسط مجمع تشخیص مصلحت نیز امری دور از ذهن نیست و رویه عملی فعالیت مجمع در سالیان فعالیتش این موضوع را نشان می‌دهد اما به دلیل عدم پیش‌بینی صریح در قانون اساسی و شفافیت و اطلاق اصل ۵۸ قانون اساسی دلیلی بر پشتوانه ضعیف این نظر است، هرچند برخی با استناد به بند ۸ اصل ۱۱۰ قائل به اعتبار و مشروعیت تقنین مستقیم مجمع هستند، اما گره این مشکل به طرق عادی نیز قابل حل است و نیازی به توسل به فرآیندهای خاص و افتراقی نیست.

راهکار دیگری که هم اکنون به صورت متداول مورد استفاده قرار می‌گیرد و در مورد قریب به اتفاق موافقت‌نامه‌های همکاری مورد استفاده قرار گرفته است، استفاده از اصل ۱۱۲ قانون اساسی و ارجاع مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام جهت داوری و رفع اختلاف است، این شیوه، مجمع را از مرجعی استثنایی و موردی به مرجعی ثابت و همیشگی تبدیل خواهد نمود، آسیب‌های ذیل در این رویکرد به چشم می‌خورد:

- ۱- حجم بالای موافقت‌نامه‌ها و تمایل بالای قوه قضاییه جهت توسعه همکاری با کشورهای مختلف، سبب تعدد درخواست و حجم بالای موافقت‌نامه و اطاله فرآیند بررسی و تأیید موافقت‌نامه‌ها توسط مجمع می‌گردد.
- ۲- مجمع تشخیص علاوه بر وظیفه حکمیت و داوری میان مجلس و شورای نگهبان در اصل ۱۱۲ وظایف مهمتری چون همکاری با رهبری در مورد تعیین سیاست‌های کلی نظام و حل معضلات نظام را در بند ۱ و ۸ اصل ۱۱۰ برعهده دارد، ارجاع موافقت‌نامه‌های متعدد ممکن است در روند انجام وظایف این نهاد خلل وارد نماید.
- ۳- اظهارنظرهای متضاد در درون نهادهای پیرامون قوه مقننه از جمله شورای نگهبان و مجمع تشخیص و تکرار آن به کرات، تصور ناخوشایندی از نظام جمهوری اسلامی به نمایش می‌گذارد و ممکن است در تصمیم کشورها بر انعقاد موافقت‌نامه تأثیر منفی برجای بگذارد.

۳-۱-۶: حکم ثانویه

احکامی که از طریق وحی خداوندی به طبایع افعال مکلفین تعلق می‌گیرد مثل "کتب علیکم الصیام" و نیز آنچه سنت بیان فرموده است، هم جزء احکام اولیه است؛ یعنی احکام روی طبایع افراد آمده است بدون اینکه عارضه‌ای از عوارض مورد ملاحظه قرار بگیرد (محمدی گیلانی، ۱۳۷۰: ۶۰)، به عبارت دیگر احکام اولیه آن احکامی است که شارع مقدس بر طبق مصالح و مفاسدی در ذات موضوع قرارداد آن‌ها را صادر کرده است. (تقوی، ۱۳۷۸: ۴۵)، هرگاه موضوع حکم اولی منتفی گردد، حکم ثانوی حکمفرما می‌شود، استفاده از احکام ثانویه می‌تواند بسیاری از مشکلات عدم اعتباربخشی به قانون و احکام دادگاه‌های خارجی را مرتفع نماید و ظاهراً مجمع تشخیص نیز از این راه به تأیید لوایح قوه مقننه مبادرت نموده است.

آیت الله مکارم شیرازی قابل تأمل و راهگشاست ایشان میان مجرم مسلمان و غیر مسلمان و قاضی مسلمان و غیر مسلمان قائل به تفکیک شده و در صورت اسلام قاضی یا غیر مسلمان بودن مجرم اجرای دوباره حکم را جایز ندانسته است، نظریه این مرجع بزرگوار اگر مورد توجه مقنن سال ۹۲ قرار می‌گرفت، راه برای اثربخشی گسترده به احکام دادگاه‌های خارجی بویژه در کشورهای مسلمان باز می‌شد و نواقص مربوط به موافقت‌نامه‌ها و قانون مجازات اسلامی رفع می‌گردید.



نتیجه گیری:

در سطح بین‌المللی اثربخشی به قوانین و احکام خارجی در پرتو مفاهیم حقوق بشری چون تضمین دادرسی عادلانه جنبه الزامی به خود گرفته و کشورها جهت اعمال مطلوب‌تر این خواسته منطقی، مصادیقی از توجه به قوانین و احکام خارجی را وارد قوانین داخلی‌شان نموده‌اند، اعمال کیفیات مخففه مربوط به احوال شخصیه متهم و توجه به قوانین خارجی استرداد مجرمین برخی از این موارد است، این فرآیند در قوانین کیفری ایران فراز و نشیب بسیاری را طی نموده، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و ابتدای قوانین بر موازین فقهی و شرعی، با موانع جدی چون عدم اعتبار قوانین و احکام خارجی به دلیل قواعد فقهی چون «نفی سبیل» و «شرایط قاضی منصوب» روبه‌رو شد، هرچند برخی از موافقت‌نامه‌های همکاری از مجرای مجمع تشخیص مصلحت وارد نظام کیفری شد ولی در قوانین مادر همچون قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در این زمینه با کاستی‌هایی مواجهیم، برای رفع این موانع مکانیسم‌هایی به نظر می‌رسد، حکم حکومتی، استفاده از احکام ثانویه، قراردادی بودن موافقت‌نامه‌های همکاری و نهایتاً بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام همچون تعیین سیاست‌های کلی نظام، رفع اختلاف میان مجلس و شورای اسلامی از جمله این راهکارهاست.

قانون جرائم سایبری ایران، با توجه به چالش‌های فضای مجازی و دشواری تعیین محل وقوع جرائم اینترنتی، محل گزارش جرم یا محل کشف جرم، جایی که محل وقوع آن قابل تعیین نیست، این قانون را جایگزین می‌کند جنایت را مرتکب شده است و همان مقامات صالح را برای تحقیق در نظر گرفته است. تجزیه و تحلیل قواعد اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و قوانین و رویه کشورها نشان می‌دهد که می‌توان با اطمینان از اجرای صریح و ابتکاری اصول موجود، چالش‌های قضایی در جرائم سایبری را برطرف کرد. به گفته برخی از کارشناسان، اقدامات و تبادلات در فضای مجازی، از یک سو، مستلزم رعایت اصل صلاحیت سرزمینی در مورد جنایاتی است که در قلمرو داخلی یک کشور انجام شده است و از سوی دیگر، اطمینان حاصل شود که اگر جنایتکاران در فعالیت‌هایی در کشوری که باعث ایجاد آثار می‌شود در کشوری دیگر فراموش شده است، این کشور همچنین حق اعمال صلاحیت را دارد. در نتیجه، دو دسته صلاحیت سرزمینی و صلاحیت مبتنی بر شهروندی تقریباً همیشه توانایی تضمین اعمال صلاحیت کیفری را ارائه می‌دهند، زیرا می‌توان پیوند کافی یا پیوند واقعی بین جرائم سایبری و حداقل یک ایالت را ایجاد کرد. بنابراین، به نظر می‌رسد با توجه به عملکرد بین‌المللی دولت‌ها، نیازی به نوع دیگری از صلاحیت در رابطه با «فضای مجازی» نیست. اکثریت قریب به اتفاق جنایات سایبری تحت صلاحیت سرزمینی یا صلاحیت مبتنی بر شهروندی هستند و بنابراین در واقع با کشورهای خاصی مرتبط هستند. قابل توجه است که در جهان امروز، داده‌ها به طور فزاینده‌ای از طریق مراکز داده جهانی جاری و منتشر می‌شوند، بنابراین این واقعیت در حال حاضر بیش از ایجاد و اعمال صلاحیت از دیدگاه حقوق بین‌الملل حقوق بشر، مسئله جمع‌آوری شواهد را به چالش می‌کشد، صلاحیت فرا سرزمینی می‌تواند مربوط به تعدد محتوای اینترنتی باشد.

مقنن در تدوین قانون مجازات اسلامی به شدت تحت تأثیر اظهارنظرهای شورای نگهبان در مورد قوانین و احکام خارجی قرار گرفته و چون قانون مذکور همچون موافقت‌نامه‌های همکاری به‌سادگی قابلیت ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام را نداشته و فرآیند بسیار فرسایشی را طی می‌نمود، بنابراین با حداقل اثربخشی در مورد تعزیرات غیر منصوص شرعی به تصویب رسید و در بسیاری از موارد نقص جدی دارد و موجب تضییع حقوق شهروندان می‌گردد و نیازمند بازنگری است.

منابع فارسی:

الف) کتابها:

- آشوری، محمد (۱۳۸۸). آیین دادرسی کیفری، تهران، سازمان سمت، جلد اول.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۳). معاضدت قضایی و استرداد مجرمین با تأکید بر جرائم مواد مخدر، تهران، نشر میزان.
- الماسی، نجادعلی (۱۳۸۸). حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، نشر میزان.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۲). حقوق جزای بین‌الملل، تهران، نشر جنگل.
- تقوی، سید محمد ناصر (۱۳۷۸). حکومت و مصلحت، تهران، نشر امیر کبیر.
- خمینی، روح الله الموسوی (۱۳۹۰). تحریر الوسیله، قم، دارالکتب العلمیه.
- رغبی، فرید (۱۹۹۵). الموسوعه الجزاییه، بیروت، انتشارات دار صادر، ج ۶.
- صانی، پرویز (۱۳۸۴). حقوق جزای عمومی، تهران، نشر گنج دانش.
- غلامی، حسین (۱۳۹۰). عدالت ترمیمی، تهران، نشر سمت.
- عوجی، مصطفی (۱۹۹۵). القانون الجنایی العام، بیروت، موسسه نوفل، ج ۱.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۹۰). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، نشر میزان.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۸). بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)، تهران، نشر میزان.
- محسنی، مرتضی (۱۳۹۲). کلیات حقوق جزا، تهران، نشر گنج دانش.
- محدوده حقوق جزا در مکان (۱۳۵۲). مجله حقوقی وزارت دادگستری، ش ۵.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۱). تفسیر نمونه، قم، نشر اسلامی.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۸). اصول فقه، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- موسوی، عباس (۱۳۷۶). حقوق جزای عمومی، تهران، نشر خیام.
- مؤمنی، مهدی (۱۳۹۳). مبانی حقوق جزای بین‌الملل ایران، تهران، نشر شهر دانش.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۴). حقوق جزای عمومی، تهران، نشر سمت.

ب) مقالات:

- بیگی حسن، فاطمه (۱۳۹۲). «اعمال قاعده منع محاکمه مجدد در مجازات‌های شرعی». پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۱، ۷۳-۹۵.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۱). «تحول اصل صلاحیت واقعی در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی با نگاهی تطبیقی». فصلنامه علمی- پژوهشی دیدگاه‌های قضایی، دوره هشتم شماره ۱۲، ۷۳-۹۶.
- توحیدی، عبدالعلی و قربانی قلقلو، مهدی (۱۳۹۰). «ممنوعیت محاکمه و مجازات مجدد در حقوق کیفری ایران و تعارض‌های آن با اسناد بین‌المللی». مجله حقوق بین‌المللی، شماره ۴۵، ۱۳۹-۱۷۳.
- جانی پور، مجتبی (۱۳۹۰). «اعتبار احکام کیفری خارجی در فقه اسلامی و نقش آن در توسعه مناسبات بین‌المللی». مجله حقوقی بین‌المللی، شماره دوم، ۱۷۹-۱۹۷.
- خالقی، ابوالفتح و جودکی، بهزاد (۱۳۹۲). «دادگاه ذیصلاح در بزه معاونت در جرم در قلمرو حقوق جزای بین‌الملل». پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره دوم، ۳۷-۵۶.
- خالقی، علی (۱۳۸۲). «پلیس اروپا (یورپول)». مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳۵، ۲۶۳-۲۶۹.
- خالقی، علی (۱۳۹۲). «تحولات قانون جدید مجازات اسلامی در مورد قلمرو مکانی قوانین جزایی». مجله پژوهش‌های جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱، ۸-۳۸.
- خالقی، علی (۱۳۸۲). «انتقال محکومان: تحولی بزرگ در شناسایی اعتبار احکام خارجی در ایران». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۶، ۱۵-۳۵.
- دشتی، بیتا، افشاری، مریم (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی جرائم سایبری در ایران و حقوق بین‌الملل، نشریه پژوهشنامه حقوق تطبیقی، شماره ۴.
- رحمدل، منصور، «تعاون قضایی- جزایی بین‌المللی در زمینه مبارزه با مواد مخدر». مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش علمی- کاربردی جنبه‌های سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، تهران، نشر روزنامه‌رسمی.

- رضوی فرد، بهزاد (۱۳۹۲-۱۳۹۳). تقریرات درس حقوق جزای بین‌الملل دوره کارشناسی‌ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- شاکری، ابوالحسن و شیرزادی فر، فرشاد (۱۳۹۳). «بررسی عدم پذیرش اعتبار احکام کیفری خارجی در تعزیرات منصوص شرعی»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۳۸، ۱۱۷-۱۳۴.
- شریعت، باقری، محمد جواد (۱۳۹۳). «تصویب موافقت‌نامه‌های همکاری بین‌المللی؛ مشکلات و راه حل‌ها»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی-قضایی، شماره ۶۶، ۳۹-۷۴.
- محمدی گیلانی، محمد (۱۳۷۰). «مقایسه بین احکام حکومتی و احکام ثانویه»، مجله رهنمون، شماره ۲، ۳.
- میرخلیلی، سیدمحمود، رحمانی نعیم آبادی، علیرضا، سالاری فر، ابودر (۱۳۹۳). «بسترهای توسعه اعمال قوانین جزایی در مکان»، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۸، ۱۸۱-۲۰۶.

منابع غیر فارسی:

- Tical (national) Frimpong.Kwame.Punishming offences committed ab road. Prac rerevance or the eoretical claim. In Principles and procedures for a new Ttransnational Criminal Law (eds: albin Eser and Otto lagodny).*Eigenverlog Max planck Institute for foreign and international criminal law*. Freiburg.Germany. 1992
- Rahmdel. Mansour."THE Nebis in idem rule in Iranian criminal law".*journal of crime*.vol.11ISS:3.2004financial
- Williams.a. Sharon(1992)"Human rights and international cooperation in extraditin. Striking the balance. In: principle and procedures for a new transnational criminal law. (eds Albin Eser. Otto langodny)".*Eigenverlag Max Planck Institute for foreingn and international criminal law*. Freiburg.Germany1992.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی